

کارکرد تغییر اعتباریات در تفاسیر عصری با تأکید بر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

مریم محبی پور^۱، مجید معارف^۲، سیدمحمدعلی ایازی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴)

چکیده

علامه طباطبایی، در علوم گوناگون اسلامی نوآوری‌هایی داشت از جمله این نوآوریها نظریه ادراکات اعتباری است. گرچه قبل از ایشان نیز توسط برخی فیلسوفان مسلمان مطرح است، اما علامه در تفسیرالمیزان و سایر آثار خویش قلمرو آن را از معرفت‌شناسی به بعد فرهنگی و تربیتی توسعه داد؛ به طوری که این نظریه را می‌توان به عنوان نظریه‌ای نوین در صورت‌بندی دقیق‌تر ساختار رفتار انسان بیان نمود. علامه با طرح ادراکات اعتباری به عنوان سنجی از ادراکات انسانی نقش عناصری چون نیاز، مقاصد و غایات، و موقعیت جغرافیایی، محیط عمل را در رفتار و کنش‌های متفاوت انسان دخیل می‌داند به اعتقاد ایشان باوجود ثابت بودن اصل تربیت، فرایند رشد تربیتی در محیط‌های متنوع طبق نظر عقلای جامعه شکل خاصی به خود می‌گیرد از همین رو این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بحث دربارۀ تأثیر و کارکرد تغییر اعتباریات در تفاسیر عصری می‌پردازد و با هدف تأثیر اعتباریات در تربیت انسان از یک جنبه به این نتیجه می‌رسد که خداوند متعال با قرار دادن شریعت‌های گوناگون، زبان و فرهنگ‌های متنوع، روش‌های تربیتی را متناسب با ظرفیت افراد و نیاز جامعه با حفظ اصول پایدار تربیتی از طرق گوناگون مانند عقل و وحی در اختیار بشر قرار می‌دهد، از همین رو اعتباریات نیز تغییر می‌کند؛ از جنبه دوم خداوند متعال نظام پاداش‌های گوناگون را با توجه به استعداد و موقعیت افراد در نظر می‌گیرد تا افراد بیشتری در نظام پاداش الهی اهل نجات باشند.

کلید واژه‌ها: نظریه اعتباریات، قرآن کریم، علامه طباطبایی، تغییر اعتباریات، کارکرد، تفاسیر عصری.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
smohebbipour@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول)؛
maaref@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
Ayazi1333@gmail.com

۱- تبیین مسأله

علامه طباطبایی، به منظور فهم عالم مدرن و مناسبات حاکم بر آن بحث ادراکات اعتباری را در ادامه پیدایش کثرت در ادراکات برمی‌شمرد. تا نشان دهنده‌ی مواجهه این مفسر با یکی از بزرگترین مسائل دوره‌ی مدرن، یعنی تکثرگرایی باشد. با مرور آثار علامه طباطبایی می‌توان به صراحت گفت علامه و تا حدودی برخی مفسران معاصر دغدغه تنوع و تکثر اخلاق و دین و فرهنگ را دارند. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که امروزه شاهد ناکارآمدی برخی مکاتب تربیتی به دلیل نگاه تک بعدی به انسان و عدم شناخت کامل او هستیم.

بر همین اساس علامه بیان می‌کند ادراکات اعتباری حاصل یک سلسله نیازهای وجودی و احساسات. اعم از ثابت و متغیر است که انسان و شرایط آنها را می‌آفریند؛ به عبارت دیگر این ادراکات، به صورت قراردادی، برای رفع نیازها و رسیدگی به امور اجتماعی انسان توسط او ایجاد می‌شوند در نتیجه انسان اعمال اختیاری خود را در ظرف روابط اجتماعی به آنها تعلیل کرده و اراده خود را بدان‌ها مستند می‌نماید. این قبیل علوم امری اعتباری و قراردادی هستند که در جوامع مختلف بر اثر شرایط تغییر می‌کنند بنابراین با وجود حقیقی بودن؛ برخی اعتباریات؛ تابع عوامل زمینه‌ای نظیر محیط اقلیمی و اجتماعی و فرهنگی توسط عقلای جامعه براساس مصالح موجود در تغییر هستند. این پژوهش با بحث تغییر اعتباریات در برخی آیات قرآن کریم به پرسش‌های ذیل پاسخ می‌دهد؛ تغییر اعتباریات چگونه بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد؟ تنوع روش‌های تربیتی چگونه از نظریه اعتباریات به دست می‌آید؟ اعتباریات در تفاسیر عصری چه کارکردی دارد؟ توجه به تغییر اعتباریات چگونه ما را در حل چالش نسبیت اخلاقی کمک می‌کند؟

۲- مقدمه

قبل از پرداختن به کارکرد اعتباریات ذکر چند نکته در مقدمه ضروری است تا اهمیت

پرداختن به موضوع دوچندان شود.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

۱. با توجه به بروز یکی از بزرگترین مسائل مدرن یعنی "کثرت‌گرایی فرهنگی" علامه طباطبایی بحث ادراکات اعتباری را در ادامه بحث «پیدایش کثرت در ادراکات» مطرح می‌نماید؛ که نشان‌دهنده درک اسباب تکثر در فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای غالب در مباحث انسان‌شناسی است و مطرح کردن آن در تفسیر المیزان و سایر مباحث تفسیری ایشان نشان‌دهنده توجه ایشان به تطبیق اعتباریات با آموزه‌های قرآن کریم است تا اهمیت موضوع را نشان دهد. از جهت دیگر این نظریه با توجه چالش‌های تربیتی معاصر ظرفیت این را دارد بتواند یک نظام تربیتی را متناظر با اقلیم‌ها و فرهنگ‌های متفاوت به نهاد تعلیم و تربیت تحویل دهد لذا شایسته است صاحب‌نظران از این نظریه و نظریه‌های متقارن یک نظام تربیتی هدفمند را برای جامعه جهانی پایه‌گذاری نمایند.

۲-۲. پیشینه نظریه اعتباریات

بررسی پیشینه فضای علمی اعتباریات در سده‌های گذشته نشان می‌دهد؛ این موضوع در مباحث پیشینیان از ابن‌سینا تا محقق اصفهانی استاد علامه طباطبایی به صورت اجمالی مطرح شده است. اما علامه بیش از بیست سال در آثاری مانند "رسائل سبعه"، "النسیان فی الدنیا"، "رساله الولایه" و در نهایت "مقاله ششم اصول فلسفه و روش رئالیسم" و حتی در تفسیر المیزان به تفصیل به آن پرداخته است. پرداختن علامه در آثار متعدد بیانگر محوریت اعتباریات در نظام فکری ایشان است به دلیل نوآوری علامه بسیاری از اندیشمندان به بازبینی و نقد و بررسی اعتباریات پرداخته‌اند از جمله:

۲-۲-۱. گسترش قلمرو اعتباریات از معرفت‌شناسی به فرهنگی و تربیتی: گسترده کردن مبحث اعتباریات و افزایش قلمرو آن به بحث فرهنگی و تربیتی در مقالات متعدد

بررسی شده است: اعتباریات فرهنگی با درک اسباب تنوع و تکثر و تکثر فرهنگ‌های متنوع می‌کوشد؛ اصول و پایه‌های و توجه به وحدت و یگانگی را حفظ کند. (مصلح، ۲۷-۴۶؛ حسین پور صیاغ و همکاران، ۱۳۹-۱۱۸).

۲-۲-۲. برخی اعتباریات را در المیزان بررسی کرده‌اند: این مقالات مهمترین ویژگی اعتباریات را در المیزان حقیقی بودن اعتباریات با وجود قراردادی بودن آن می‌دانند؛ از نظر این محققان اعتباریات ریشه در واقعیت دارد و در نهایت تأثیر اعتباریات را در رفتارهای اختیاری انسان را به تصویر می‌کشند و آیات متعدد را در این زمینه بررسی کرده‌اند. (برهان مهریزی، ۶۹-۸۶؛ یزدان مقدم، ۳۱-۵۰)

۲-۲-۳. برخی از صاحب‌نظران نیز رابطه فقه و اخلاق را در مسائل اعتباری بررسی می‌کند و اعتباریات را به عنوان ادراکاتی که تابع اراده و احتیاجات انسان است می‌داند در نهایت به چالش‌های حقیقی و اعتباری بودن اخلاق پاسخ می‌دهند. (سوزنجی و همکاران، ۳۱-۹؛ ابازی، اعتباری بودن حل چالش‌های اخلاقی معاصر)

۲-۳. نوآوری تحقیق

با توجه به اینکه در زمینه "کارکرد تغییر اعتباریات" تحقیق خاصی صورت نگرفته است؛ تغییر اعتباریات، کارکرد تغییر اعتباریات؛ میزان پایداری الگوهای رفتاری، شکل‌گیری روش‌های تربیتی متناظر با موقعیت‌های متفاوت در اسلام، توجه به گوناگونی سیستم پاداش الهی، از نوآوریها و نتایج توجه به تغییر اعتباریات است. بنابراین روی آوردن به امور فوق یک نظام تربیتی موقعیت‌مند را در خلال توجه به تغییر اعتباریات بنیان می‌نهد.

۲-۴. مفهوم شناسی اعتباریات

از نظر علامه علوم و تصدیقاتی که ما دارای آن هستیم بر دو قسم هستند: اول علوم و تصدیقاتی که هیچ‌گونه ارتباطی به اعمال ما نداشته و تنها واقعیاتی را کشف نموده و با

خارج تطبیق می‌دهد، مانند تصدیق به اینکه عدد چهار جفت است، این گزاره بدیهی، صدق و حق است.

قسم دوم: علوم و تصدیقاتی اعتباری و قراردادی؛ که ما آن را در کارهای روزمره استفاده می‌کنیم. این علوم عبارتند از احکام و قوانین که در اجتماع جریان دارد؛ مانند ولایت، ریاست، سلطنت و امثال آن. لذا می‌بینیم این احکام برحسب اختلافی که جوامع بشری دارند مانند قطبی‌ها استوایی‌ها، شرقی‌ها، غربی‌ها، متفاوت برداشت می‌شود، شیوه‌های تربیت در نظام‌های آموزشی، شیوه‌ی برخورد با کودکان، یا رفتار با زندانیان در هر جامعه‌ای متفاوت است گرچه اعتباریات عقلانی بدون اختلاف هم وجود دارد مانند وجوب تشکیل اجتماع و خوبی عدالت و بدی ظلم و امثال آن (طباطبایی، المیزان، ۱۶۴/۸ و ۳۱۶/۱۸-۳۱۷؛ جوادی آملی، ریحق مختوم، ۵۰۰/۱۵؛ برهان مهریزی، ۶۹-۸۶).

۲-۴-۱. انواع اعتباریات

از نظر علامه طباطبایی اعتباریات دو نوع است.

۲-۴-۱-۱. اعتباریات عمومی ثابت غیر متغیر: مانند خوبی عدالت، بدی ظلم، این اعتباریات توسط برخی دیگر اعتباریات تغییر نموده مانند صدها مثال از تغییرات آداب و رسوم اخلاقی، معاملاتی که در طول قرنهای متمادی تغییر می‌کند.

۲-۴-۱-۲. اعتباریات خصوصی قابل تغییر مانند زشت و زیبایی، انسان می‌تواند هر سبک اجتماعی را که روزی خوب شمرده روز دیگر بد بشمارد ولی نمی‌تواند از اصل اجتماع صرف‌نظر نموده و یا اصل خوبی و بدی را فراموش نماید. (طباطبایی، اصول فلسفه رئالیسم، ۱۲۳) برای آشنایی با آیات مستفاده علامه در المیزان (نک: یزدان مقدم، ۳۱-۵۰)

۲-۵. مراحل شکل‌گیری اعتباریات

مراحل شکل‌گیری اعتباریات از دیدگاه علامه عبارتند از: (اضطرار، تسخیر و سلطه،

مدنیت، و مناسبات اجتماعی، تشریح و قانونگذاری، شکوفایی و کمال ایشان این مراحل را بدین صورت بیان می‌کند:

"روی آوردن انسان به اجتماع، مدنیت، استخدام و قانونگذاری از روی اضطرار بوده و اگر اضطرار نبود، انسان هیچگاه مایل نبود که اراده و آزادی خود را محدود یا واگذار کرده و به زندگی اجتماعی، قانونگذاری و عدالت اجتماعی اهتمام ورزد. (نک: طباطبایی، میزان، ۱۴۹/۴)

۳- کارکرد تغییر اعتباریات

قبل از پرداختن به کارکرد اعتباریات لازم عوامل موثر در تغییر اعتباریات بیان گردد: ۱- محیط ۲- شغل ۳- تکرار و تلقین ۴- توسعه و تکامل بشری (نک: طباطبایی، اصول فلسفه و رتالیسم، ۱۴۱-۱۴۳) مجموعه این عوامل در کنار توجه به مخاطب‌شناسی تربیتی عظیم را رقم می‌زند و این تغییر کارکردهای مختلفی را ایجاد کرده است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد.

۳-۱. توجه به مدل سیستمی محیط در قرآن

در اکثر موارد محیط تربیتی مساعد می‌تواند خصوصیات رفتاری متربی را دگرگون کند. قرآن کریم محیط را به دو مقوله دنیوی انسانی، غیرانسانی (مانند ملائک، جن و شیاطین) غیر دنیوی برزخی و اخروی تقسیم کرده است. تأثیرگذاری محیط به حدی است که برخی مفسران عصری اذعان دارند دین دوش به دوش زندگی حرکت می‌کند و هر کس درصدد شمارش شرایط تأثیرگذار باشد در جستجوی محال است. (مغنیه، ۶۹/۱-۲۳۶) مصادیق تأثیرگذاری محیط از دیدگاه مفسران عصری عبارتند از:

۳-۱-۱. تفاوت در کنش‌های رفتاری محیط دنیوی

قرآن کریم هرچند معجزه جاویدان پیامبر ﷺ است و با کلام بشری متفاوت است اما

ساختار این کلام، مبتنی بر قواعد ساختاری، معنایی و زبان‌شناختی زبان‌های بشری است که توجه به موقعیت‌های متفاوت افراد اعم از جغرافیایی، زنتیک، فرهنگ را در اولویت برنامه‌های تربیتی قرار می‌دهد مصادیق توجه خداوند متعال به موقعیت‌های متفاوت و مخاطب‌شناسی عبارتند از:

۳-۱-۲. بیان ویژگی‌های کلی محیط دنیوی

محیط دنیا محیطی سرشار از لهُو و لعب است و ویژگی‌هایی از قبیل ناپایداری، لهُو و لعب، فخرفروشی، رنج آوری را دارد مانند آیهی «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (الحديد، ۲۰) بنگرید به (التکائر، ۱؛ البلد، ۴) این آیات نشان می‌دهد محیط دنیوی محیطی محدود است. علامه نیز به صراحت لهُو و لعب را از ویژگی اعتباریات دنیا می‌داند. (طباطبایی، تفسیر البیان، ۳/۳۳۹)

۳-۱-۳. تبیین تفاوت در موقعیت‌های تربیتی دنیوی

از منظر قرآن انسان‌ها به علت ایستادن در موقعیت‌های مختلف^۱ خلقت گوناگون دارند. علامه طباطبایی مراتبی از تفاوت‌های افراد را به شرح ذیل بیان می‌کند:

خداوند متعال افراد را به گروه‌های متنوعی همچون مخلصین (العنکبوت، ۶۵؛ یوسف، ۲۴) موقنین (الانعام، ۷۵؛ الشعراء، ۲۴؛ السجده، ۱۲؛ الدخان، ۲۰) عالمین (الفاتحه، ۲؛ البقره، آیات ۴۷، ۱۲۲، ۱۳۱) منیبین (الروم، ۳۱-۳۳؛ آل عمران: آیات ۳۳، ۴۲، ۹۷)، مطهرین (التوبه، ۱۰۸؛ الواقعة، ۷۹) صالحین (القلم، ۵۰؛ المنافقون، ۱۰؛ الصافات، آیات ۱۰۰، ۱۱۲) مقربین (الواقعه، ۸۸؛ الشعراء، ۴۲؛ الاعراف، ۱۱۴) صدیقین (النساء، ۶۹) اولیا، (یونس، ۶۲) مؤمنین (البروج، ۱۰؛ التحريم، ۴؛ الصف، ۱۳) تقسیم کرده و میوه تربیتی هر کدام را متفاوت می‌داند به طور مثال علم واقعی به اوصاف پروردگار را به مخلصین،

۱. «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (نوح، ۱۴)

مشاهده ملکوت آسمان‌ها و زمین را به موقنین، تذکر را به منیبین، تعقل را به عالمین همچون عناوین ناستوده را به گروه‌هایی همچون کافرین (فاطر، ۳۹؛ الحاقه، ۵۰؛ نوح، ۲۶)، منافقین (التحریم، ۹؛ المنافقون، آیات ۱، ۷، ۸) ظالمین (الانسان، ۳۱؛ نوح، ۲۴ و ۲۸؛ التحريم، ۱۱) نسبت می‌دهد (نک: طباطبائی، المیزان، ۱۰۱/۳) از همین رو انسان‌ها از دیدگاه قرآن متفاوت هستند؛ لذا یکی از اصول و مبانی تربیت مخاطب‌شناسی است.

۳-۱-۴. تفاوت در کنش‌های گفتاری و رفتاری آیات مکی و مدنی

مفسران اعم از سنتی و معاصر کنش‌های رفتاری در آیات مکی و مدنی را متفاوت می‌دانند (طالقانی، ۵، ۱۱۹؛ حسینی معصوم، رادمراد، ۶۵-۹۲) تا ثابت نمایند مخاطب‌شناسی در قرآن بسیار مهم است. از یک جهت در مدینه فردسازی و خودشناسی با آیات «یا ایها المدثر یا ایها المزمّل» مطرح است از جهت دوم در مدینه جامعه‌سازی و جهانی‌سازی مطرح است. (اسماعیل‌زاده، آجیلیان مافوف، ۵۱-۵۴) این تفاوتها نشان دهنده تفاوت تربیت در جوامع مختلف است؛ این تفاوت را علامه در المیزان چنین به تصویر می‌کشد: "در واقعیت، حسن و قبح افعال دایمی، ثابت و نامتغیر است؛ اما مصادیق آن متفاوت است. مثلاً «عدل» همیشه خوب است و «ظلم» همیشه بد و قبیح است. این دو تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کند. اما مصادیق آن متفاوت است، مثلاً تازیانه زدن به زناکار در جوامع غربی مصادیق ظلم و در جوامع اسلامی مصادیق عدل است." (طباطبائی، المیزان، ۵/۱۱)

۳-۱-۵. تفاوت در رفتارهای انبیاء

یکی از مواردی که مبین تأثیر محیط و جامعه در تربیت است؛ شرایع و احکام متعدد و مختلف می‌باشد. تفاوت در شرایع (المائده، ۴۸) تفاوت در زبان (الروم، ۲۲) تفاوت در مناسک (الحج، ۶۷) بیانگر تأثیر شرایط در تربیت است لذا از منظر مفسران "تربیت برای هر موقعیت اعم از بسته، متضاد و متحرک برنامه دارد، بر همین اساس برای هر یک از این

محیط‌های متفاوت یک نوع برخورد و یک روش تربیتی مناسب وجود دارد. (صفایی، ۲۵؛ طالقانی، ۴/۱-۸۱-۱۸۲) در نتیجه مفسر با دقت در فرامین قرآن کریم از روش " کثرت‌گرایی قانونمند" برای مباحث تربیتی استفاده می‌کند. مصداق بارز تفاوت در برنامه‌های تربیتی خداوند حدیث حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است که روش تربیتی انبیاء را به دلیل شرایط متفاوت زمانه متفاوت می‌داند به عنوان مثال امام علیه السلام ابزار تبلیغاتی پیامبر اسلام را در عصری که سخن بیشترین تأثیرگذاری فرهنگی را به جا می‌گذارد قرآن است. (کلینی، ۶۷/۱) بر همین اساس انبیاء علاوه بر تیپ شخصیتی متفاوت که نشأت گرفته از مظهریت و نمایندگی یکی از اسماء الهی در انبیاء است. (نک: خمینی، ۱۰۷/۶؛ عباسی، ۸۱-۹۸) روشهای متفاوتی متقارن با محیط زیست دارند.

۳-۱-۵-۱. گریه حضرت یعقوب نشانه‌ی عاطفی بودن یعقوب

با وجود اینکه حضرت یعقوب در فراق فرزند بسیار گریست؛ خداوند متعال با احترام به احساسات عاطفی حضرت یعقوب، این گریه را صبر جمیل نام نهاد. (یوسف، ۸۳)

۳-۱-۵-۲. غضب حضرت موسی

با وجود اینکه حضرت موسی علیه السلام در برابر رفتارهای مختلف اجتماعی براساس رسالت شغلی خویش از جمله گوساله پرستی قوم (الأعراف، ۱۵۰) کشتن شخص قبطی (قصص، ۱۵) تحمل کم در داستان خضر (۶۰-۸۲) متفاوت می‌باشد؛ اما پروردگار جهانیان با اصطلاح «وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي» (طه، ۴۱) تربیت ایشان را ویژه‌خدایی می‌داند. زیرا حضرت موسی علیه السلام در موقعیتی قرار دارد که توحید و یکتاپرستی مورد بی‌توجهی قرار دارد؛ گرچه علامه و سایر مفسران شیعه رفتارهای انبیاء را دلیل بر عصمت انبیا می‌داند. (المیزان، ۱۹۹-۲۰۹) احتمالاً این ممکن عصمت است ناشی از قرار گرفتن انبیاء در اقلیم متفاوت اعم از تیپ شخصیتی متفاوت و زمانه‌ی متفاوت باشد.

۳-۱-۵-۳. نفرین حضرت نوح بر امت

یکی از اهداف انبیاء توجه به تربیت نسل پاک و خداپرست است. زیرا محیط کفر همه را گمراه می‌کند و ژنتیک نیز اثر می‌گذارد تا نسل پاک از بین برود. (المیزان، ۲۰/۵۶) لذا حضرت نوح علیه السلام قوم خود را نفرین کرد تا عذاب الهی بر آنها نازل شود. برای بررسی شیوه رفتاری حضرت نوح علیه السلام (نک: آذری آلماجوان، فرج‌پور، ۱۴۰۲) این رفتار حضرت نوح در حالی مورد سؤال است که حضرت ابراهیم علیه السلام از فرشتگان الهی درخواست نمود قوم لوط را عذاب نکنند (هود، ۷۴-۷۵) اما قرآن کریم در مقابل این دو رفتار متقابل به هر دو پیامبر علیهم السلام سلام ویژه داره (الصافات، ۷۹) این نمونه‌ها قطعاً نمونه‌ای کوچکی از احترام به تفاوت‌های فردی و توجه به محیط فرهنگی انبیاء است.

۳-۱-۶-۳. توجه به عرف

یکی از مصادیق توجه خداوند به محیط دنیوی توجه به عرف در بحث تربیتی است؛ مصادیق توجه به عرف در قرآن کریم عبارتند از:

۳-۱-۶-۱-۳. تعیین مبنای اخلاقی براساس عرف

خداوند متعال در آیه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (الاعراف، ۱۹۹) عرف را حجت می‌داند از همین رو بنابر تصریح روایات این آیه بیان‌کننده جمیع مکارم اخلاقی است. (صادقی تهرانی، الفرقان ۹۷/۱۲؛ تفسیر نمونه، ۶۵/۷) لذا عرف با شرایطی که مخالفت صریح با شریعت نداشته باشد. از منظر قرآن حجت است (دریچه‌ای به دنیای جوانان، ۱۸-۹۳) برای آشنایی با موارد توجه به عرف (مرتضوی‌مهر؛ محمدی ینگجه، ۴۹-۶۲)

۳-۱-۶-۲-۳. تبیین سیر تحولی معنایی عرف

عرف در قرآن هفتاد مرتبه با مشتقاتش ذکر شده که معنای آن از دیدگاه اکثر مفسرین

سنتی عرف «کار پسندیده» است. (نک: به مرتضوی مهر، محمدی ینگجه (۶۲-۶۹) اما توسط مفسران عصری توسعه معنایی یافته و در معانی ذیل به کار می‌رود.

۱. عارفانه و پسندیده ۲. معروف ۳. سنن جاری که عقلای جامعه آنها را می‌شناسند توجه به عقلای جامعه در مباحث تربیتی بیانگر توجه به زمان و مکان در اسلام است (مدرسی، ۵۲۴/۳؛ تهرانی، فضل‌الله، دریچه‌ای به دنیای جوانان، ۳۱/۱۰؛ کاشف، ۴۳۹/۳؛ سیدقطب، ۳؛ رشیدرضا، ۵۲۴/۹). از نظر معاصران توجه به عرف؛ علاوه بر استفاده در ملاکات احکام، پویایی و تحرک شریعت را فراهم می‌سازد. (ایازی، ملاکات احکام، ۲۸۹؛ نک: مرتضوی مهر، محمدی ینگجه، ۴۹-۶۲)

۲-۳. تغییر اعتباریات براساس محیط عمل

از نظر علامه طباطبایی محیط عمل در اختلاف افکار و ادراکات اعتباری تأثیر دارد مثلاً باغبان، بازرگان، کارگر، کارفرما از جهت روش فکری با همدیگر متفاوت هستند؛ زیرا احساساتی که یک باغبان بوجود می‌آورد غیر از احساساتی است که تاجر لازم دارد زیرا احساساتی که مثلاً سبزه و آب و درخت و گل و بهار به وجود می‌آورند غیر از احساساتی است که مال‌التجاره و دادوستد لازم دارد و اختلاف احساسات، اختلاف ادراکات اعتباریه را در پی دارد. (اصول فلسفه و رئالیسم، ۲۱۷/۲) هر کدام از این عوامل با اراده انسان می‌تواند در اخلاق و رفتار، وی دخیل باشد. (مکارم شیرازی پیام قرآن، ۳۸۲/۱؛ طالقانی، ۳۱/۱)

۱-۲-۳. کثرت روشهای تربیتی در محیط کاری انبیاء

تلاش و پرداختن به فعالیت‌های روزانه اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از برجسته‌ترین ویژگی‌های انبیاء است. خداوند متعال با بیان قصه‌های قرآنی از هر پیامبری و ترسیم رسالت ویژه انبیا درس‌های تربیتی متعددی را آموزش می‌دهد؛ تا انسانها متوجه موقعیت‌های تربیتی در محیط‌های کاری باشند.

از داستان هبوط تا خاتم پیامبران که با رعایت نکات ریز تربیتی اسوه الهی می‌گردد.

(الاحزاب، ۳۳) و به واسطه عبد بودن به معراج می‌رود (الاسراء، ۱؛ النجم، ۷-۹) مملو از راز تربیتی است. این راز با خلیفه الهی و آموزش اسماء شروع و با معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تکمیل می‌گردد.

به‌عنوان مثال نتایج تربیتی داستان ذوالقرنین با سد سازیش (الکھف، ۸۳-۹۸) و حضرت نوح با کشتی‌سازی (نک: داوودی، قلی‌پور، ۸۳-۹۸) رسالت و مسیر شغلی حضرت یوسف با تعبیر خواب و خزانه‌داری پادشاه (نک: پردلان و همکاران، ۱۳۱-۱۴۲) لقمان حکیم که نحوه تربیت فرزند را توضیح می‌دهد متفاوت است (بناری، ۴۱-۶۰) نحوه به کارگیری نیروهای ماوراء توسط حضرت سلیمان به این نتیجه می‌رسد؛ فقط با کمک خداوند و یکتاپرستی و انجام اعمال نیک می‌تواند به تربیت ایده‌آل برسد (سبأ، ۱۴-۱۷) داستان دانشجو شدن حضرت موسی با استادش حضرت خضر موسی علیه السلام بیانگر رابطه تعقل و استطاعت دریافت همچنان احساس نیاز به مربی در تمام عمر (الکھف، ۸۲-۶۴) در نتیجه خداوند با طرح قصه‌های مختلف از انبیاء چرخه هدایت را روز به روز متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌کند و در نهایت پیغمبر صلی الله علیه و آله انسان کاملی است که خلق عظیمی دارد (القلم، ۴) فرستادن ایشان منتهی است به سوی بشریت. (آل‌عمران، ۱۹۵)

۳-۲-۲. تأثیر محیط کاری بر اعمال انسان

تأثیر محیط کاری که منجر به عمل انسان می‌گردد، به اندازه‌ای است که خداوند متعال به کسانی که به بهانه‌ی استضعاف، از هجرت خودداری نمودند، مورد توبیخ قرار می‌دهد. (النساء، ۹۷) لذا سوره مبارکه نساء بر لزوم هجرت از محیط‌های آلوده و عدم تسلیم در برابر فشارهای دشمن به جهت دفع یا رفع ظلم یا برای کسب معرفت بسیار تأکید شده است.

۳-۳. علم و تکامل بشری

معرفت مبنای اصلی سعادت و کمال بشریت است. لذا علامه طباطبایی سومین عامل

تغییر در اعتباریات را علم می‌داند ایشان تصریح می‌کند: انسان براساس قریحه تکامل پیوسته بر معلومات خود می‌افزاید و دایره علوم روز به روز توسعه پیدا می‌کند لذا از این روی مفهوم «باید و نباید، خوب و بد» و نظایر آنها پیوسته هم آغوش تغییر می‌باشد. (طباطبایی، اصول فلسفه رئالیسم، ۱۴۳) بر این اساس قرآن کریم به صورت مطلق در آیات آدمیان را از ورود جاهلان به مسائل و موضوعاتی که درباره‌ی آنها شناخت کافی ندارند، برحذر داشته است. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنتَبِرٍ» و با جدال احسن آنها را بیان می‌کند. به مصادیقی از سومین عامل تغییر اعتباریات و کارکرد آن در تفاسیر عصری اشاره می‌شود.

۳-۳-۱. تبیین تفاوت مراتب رشد در قرآن

قرآن کریم در چهار آیه کریم تعلیم و تزکیه را توأمان ذکر نموده است (البقره، ۲؛ ۱۲۹/۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴/۳؛ الجمعة، ۲) لذا از نظر مفسران عصری استفاده و برداشت‌های متفاوت انسان از قرآن به تعداد دنیاها و شرایط خود آن‌ها متعدد است. مراحل هدایت انسان‌ها عبارتند از: «هدی للناس» (البقره، ۱۸۵)؛ «هدی للمومنین» (البقره، ۹۷)؛ «هدی للمتقين» (البقره، ۲)، «هدی للمحسنین» (لقمان، ۳) را دربرمی‌گیرد. (صفایی، تطهیر با جاری قرآنی، ۱۹/۱) که همگی بیانگر تفاوت انسان‌ها در قرآن کریم است. قطعاً اولی‌الالباب در بالاترین جایگاه معرفتی قرار دارند علاوه بر آن علاوه بر این روایت‌های از اهل عرفان رسیده که راه رسیدن به خداوند متعال به عدد تعداد انسانهاست. (حر عاملی، ۱۹۰/۱)

۳-۳-۲. تأثیر تحول علم در آراء مفسران

از نظر مفسران عصری اختلاف در دانش، باعث تغییر در نگاه به امور اجتماعی و معرفت اخلاقی می‌شود، به عنوان مثال امروزه بی‌توجهی به حقوق شهروندی، سانسور مطبوعات، مجازات مجرمان به شیوه‌ی گذشته مانند از کوه پرتاب کردن، قطع کردن دست و

پای، سنگسار کردن مجرم، مجازات علنی در پیش دیگران، در میان عقلا هم قبیح است. (ایازی، اعتباری بودن احکام اخلاقی) لذا در میان مفسران عصری تحول آرا بسیاری مشاهده می‌شود که مصادیقی اشاره می‌گردد.

مصادیق در تحول آرا عبارتند از: تحول معنایی مفاهیم قرآنی مانند: فک رقبه، رباط الخیل، غنیمت، رجم، قتل، (اصل کرامت انسان کل کتاب، محبی‌پور و همکاران (۱۳۷) - ۱۶۱) علاوه بر این ایدئولوژی‌های نظیر ایدئولوژی علمی، جنسیتی و گفتمان‌های نظیر فمینیسم تغییر مستقیم در تحول آرا را به دنبال داشتند. که به دلیل پژوهش‌های عمیق از ذکر موارد خودداری می‌گردد. (نک: محمد فام و همکاران، ۷-۲۶؛ نکونام، فام، ۴۵-۶۴)

۳-۴. عادت و تلقین

چهارمین عامل تغییر اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی عادت است؛ در واقع بخشی از شخصیت انسان را عادت تشکیل می‌دهد. رفتارهای ناشی از ملکات عادات که علامه به عنوان کثرت ورود به ذهن یک فرد از آن یاد می‌کند (طباطبایی، اصول فلسفه رئالیسم؛ ۱۴۳) مصادیق توجه به عادت از دیدگاه مفسران عصری

۳-۴-۱. عدم پذیرش خداپرستی اقوام

یکی از دلایل عدم پذیرش ایمان در اقوام مختلف عادت به دین ابناء و اجدادی است مانند تلقی فرعونیان از عدم پذیرفتن دعوت موسی؛ زیرا خداپرستی را مساوی با ترک کردن شیوه و عقاید گذشتگان خود می‌دانستند. (یونس، ۷۸) (صفایی، تطهیر با جاری قرآن، ۵۴/۲) لذا علامه طباطبایی و سایر مفسران عصری معتقدند تکرار و تلقین مدام یک فکر موجب آن می‌شود که آن فکر صحیح به نظر بیاید. (طباطبایی، ۱/۱۷۴) در این زمینه نک: ابراهیم‌پور، ۴۰)

۳-۴-۲. تبیین رابطه شاکله و اعتباریات

هنگامی که عوامل مؤثر در تغییر اعتباریات در رفتار انسان شکل بگیرد. انسان، شاکله‌های متفاوتی را به خود می‌بیند لذا علامه طباطبایی عوامل مختلف بیرونی و درونی، آداب و رسوم، عرف، مزاج، را در تشکیل شاکله‌ها سهیم می‌داند. (طباطبایی، میزان، ۲۶۲-۲۶۷) گرچه علامه عادت را با شاکله متفاوت می‌داند. اما یکی از منابع و منشأ ملکات، عادت می‌باشد که نقش مهمی در تغییر رفتار انسان دارد تا شاکله شخصیت را درست بسازد.

۴- توجه به اصول روانشناختی انسان‌ها در قرآن کریم

از کارکردهای توجه به تغییر اعتباریات، توجه به روانشناسی در نظام پاداش الهی است با توجه به اینکه خداوند متعال انسان‌ها را متفاوت خلق نموده است. (الحجرات، ۱۳) و براساس اصول روانشناختی در تفاوت‌های فردی احکام را تشریح می‌فرماید. مصادیق توجه به مخاطب شناسی در نظام پاداش الهی عبارتند از:

۴=۱. مدل سیستمی متفاوت در نظام پاداش الهی

با دقت در نظام متنوع پاداش الهی مفسران عصری از جمله شهید مطهری به تفصیل به دسته‌بندی مختلف انسان‌ها در نظام پاداش الهی پرداخته‌اند. (مطهری، ۲۱۵/۱-۳۲۱) با توجه به احادیث باب اصناف ناس که برگرفته از نظام پاداش‌های الهی در قرآن کریم است؛ خداوند با توجه به موقعیت‌ها افراد را دسته‌بندی می‌کند. مانند «النَّاسُ عَلَى سِتِّ فِرَقٍ يَتَوَلَّوْنَ كُلُّهُمْ إِلَى ثَلَاثٍ فِرَقٍ الْإِيمَانِ وَالْكَفْرِ وَالضَّلَالِ وَهُمْ أَهْلُ الْوَعْدَيْنِ الَّذِينَ وَعَدَهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْكَافِرُونَ وَالْمُسْتَضْعَفُونَ وَالْمُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَالْمُعْتَرِفُونَ بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا وَأَهْلُ الْأَعْرَافِ» (کلینی، ۳۸۲/۲ برای اطلاع بیشتر نک: ۳۸۱-۳۸۳) علاوه بر این تعبیر "مؤلفه قلوبهم" (التوبه، ۶۰) در نظام

پادشاه‌های الهی دلیلی بر توجه خداوند متعال به روانشناسی افراد مختلف است. مصادیقی از تفاوت انسانها در نظام پادشاهها ذکر می‌گردد.

۴-۱-۱. اصل توانایی در قرآن

خداوند متعال در آیات متعدد به کرات توانایی را شرط انجام عمل می‌داند. نظیر توانایی بر حج (آل عمران، ۹۷) توانایی بر جهاد (البقره، ۲۱۷) توانایی بر ساختن (الأنعام، ۳۵) و در نهایت خداوند متعال بر مبنای «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (البقره، ۲۸۶) تفاوت افراد در توان را در نظر می‌گیرد گرچه استطاعت به معنای قدرتی که حدود تشخیص هر فرد را تشکیل می‌دهد نیازمند به فعلیت رساندن شخصیت‌ها است. (طباطبایی، المیزان، ۹۸/۷؛ مطهری، ۲۴۸/۵؛ علیزاده و همکاران، ۲۳۷-۲۵۸)

به مصادیقی از توجه خداوند متعال به تفاوت‌های افراد و مخاطب‌شناسی در ذیل اشاره می‌گردد.

۴-۱-۲. مسامحه در تربیت

مسامحه در تربیت را می‌توان با طرح‌های قرآنی و احادیثی با آیاتی نظیر آیات ذیل تطبیق داد.

۴-۱-۲-۱. طرح «مُوَلَّفَهُ قُلُوبُهُمْ» (التوبه، ۶۰) در این آیه توجه به جلوه‌های مختلف تربیتی چون اخلاق، اخوت، عدالت، آزادی اسیران، اعطای اموال، زکات و غنائم به افراد با نفوذ عرب با اهدافی شامل تألیف و تجذیب و در نهایت تثبیت قلوب تازه مسلمانان است.

۴-۱-۲-۲. طراحی جایگزینی: در این طرح به متریان حق انتخاب و تصمیم اعطا می‌شود تا در "سیر تکاملی بشر؛ حق انتخاب داشته باشد. به عنوان مثال کفاره‌ی روزه‌ی رمضان، و سایر کفاره‌ها متنوع است تا متربی بتواند بهترین و مناسب‌ترین راه را در تربیت انتخاب کند. (اعرافی، ۱۲۷)

۴-۱-۲-۳. حدیث رفع عن امتی: یکی از احادیثی که نظام پاداش الهی را به صورت شبکه‌ای ترسیم نموده است؛ و نشانه‌ای از دقت خداوند متعال به روانشناسی مخاطبین؛ در این نظام است. «حدیث رفع عن امتی» است. خداوند متعال شبکه‌ای از حالات روحی و روانی انسان‌ها را در آیات قرآنی به تصویر می‌کشد. که بیسانگر موقعیت‌های گوناگون و تفاوت‌های اشخاص است؛ حدیث «رَفَعَ عَنِ امَّتِي تِسْعَةَ أَشْيَاءَ: الْخَطَأَ، وَالنِّسْيَانَ، وَمَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ، وَمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَمَا لَا يُطِيقُونَ، وَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَالْحَسَدَ، وَالطَّيْرَةَ، وَالتَّفَكُّرَ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقُوا بِشَفَقَةٍ» (کلینی، ۴۶۳/۲) می‌باشد. مصادیقی از این حدیث ذکر می‌گردد:

ع-۱-۲-۳-۱. مثلث: اجبار، اضطرار، اکراه

واژگان اضطرار، اکراه و اجبار با تفاوت‌های در معنا؛ (نک: غلامی، ۳۹-۷۲ از عوامل توجه به مخاطبان در قرآن کریم است. از دیدگاه علامه انسان آگاهانه و با اختیار البته با تکیه بر عرصه اعتباریات دست به عمل می‌زند. لذا وقتی انسان از روی آگاهی کاری را بر خود حرام یا واجب کند اعتباریات را دخیل دانسته زیرا با تنوع جوامع روبرو است. (نک: ابراهیمی‌پور، ۱۹-۴۰) از همین رو خداوند متعال کنش‌های فوق به دلایل شناخت مخاطب مورد عنایت و بخشش قرار می‌دهد. مصادیق قرآنی واکنش خداوند به اعمال به مثلث فوق ذکر می‌گردد.

الف: زن حضرت ایوب علیه السلام به دلیل اضطرار برای تهیه غذا گیسوان خود را فروخت، و حضرت ایوب سوگند خورد او را تنبیه نماید. به دستور خداوند فقط یک ضریه از ساقه گندم آن هم به دلیل اهمیت سوگند حضرت ایوب. (طباطبایی، المیزان، ۳۲۷/۱۷) مثال‌های بیشتر نک: آقایی، ساریخانی، ۱۴۰۰، ۲۵-۴۷)

ب: اکراه: هنگامی که فرد مجبور به انجام کاری می‌شود با وجود داشتن اختیار اما از روی اجبار دست به کاری می‌زند در این صورت خداوند از او رفع تکلیف می‌کند. بنا بر آیات (النحل، ۱۰۶؛ النور، ۳۳) خداوند متعال در مواردی که انسان مضطر است؛

رفع تکلیف می‌کند. (طباطبایی، ۳۰۵/۶)

۵- حل چالش نسبی‌گرایی اخلاق

از بحث‌های مهم فلسفه‌ی مطلق یا نسبی بودن اخلاق است، این مبحث از دیرباز توسط مکاتب مختلف مطرح است. نظر علامه طباطبایی در این زمینه اعتدال‌گرایی است که چالش بین نسبی‌گرایان و مطلق‌گرایان را حل نموده است. (نک: رضانی، ۲۲۳-۲۳۸؛ ایازی، اعتباری بودن احکام اخلاقی کل مقاله)

۵-۱. اثبات قوانین ثابت اخلاقی

علامه طباطبایی از راه احتیاجات تکوینی و عمومی همه انسانها، به قوانین کلی ثابت و قطعی می‌رسد و آنها را غیرقابل تغییر و تبدیل می‌داند علامه بر مبنای آیه‌ی *فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا* بیان می‌کند: "بدیهی است که همه احتیاجات انسانی قابل تغییر و در معرض تحول نیست، بلکه یک رشته احتیاجات واقعی ثابت نیز داریم در میان همین قوانین و اصل دفاع از مقدسات و اصل اختصاص مالی و تأسیس حکومت و نظایر آنها. پس در هر قانون و روش اجتماعی که فرض شود، از یک رشته مواد ثابتة چاره‌ای نیست و مواد و قوانین ثابت که اسلام تشخیص می‌دهد احکامی است که مجموعاً شریعت نامیده می‌شود." (طباطبایی، بررسی‌های اسلامی، ۱۶۵) به عنوان مثال علامه مکرر چهار ملکه عفت، شجاعت، حکمت و عدالت، را فضیلت ذاتی بشریت می‌داند که در همه‌ی اجتماعات پذیرفته شده است. (طباطبایی، المیزان، ۵۵۸/۱)

۵-۲. بیان تفاوت مفهوم و مصداق

علامه طباطبایی بعد از بیان صفات پایدار اخلاقی میان مفهوم و مصداق تفاوت می‌گذارد اولی را ثابت و دومی را در معرض دگرگونی معرفی می‌کند. تفاوت‌ها را به

تشخیص مصداق در کشورهای مختلف برمی‌گرداند به عنوان مثال تفاوت خنده و شوخی در مجالس دوستان یا مراسم بزرگان، تفاوت مصداقی زنا، شرب خمر نزد غریبان و مسلمانان. بنابراین صفاتی را که از نظر افراد یک اجتماع حسن و از نظر اجتماع دیگر قبیح شمرده می‌شوند به خاطر تطبیق بر مصادیق و خلط بین مفهوم و مصداق می‌دانند. (۱۰۱۳/۵، ۳۶۸؛ ۱/۳۸۰، ۱/۵۷۲-۵۷۴، ۴/۱۸۸)

۵-۳. حل تراحم اخلاق

گاه مکلف مختار و نمی‌داند وظیفه فعلی او انجام کدام عمل اخلاقی است. لذا اعتباریات و قراردادهای اجتماعی به او کمک می‌کند تا بتواند بر تراحم اخلاقی پیروز گردد مصادیق حل این تراحم عبارت است از:

۵-۳-۱. تأکید بر غایت کار

یکی از مصادیق حل تراحم اخلاقی، توجه به غایت است وقتی مصادیق ثابتی مانند چهار ملکه یاد شده را معیار اصل اخلاق قرار دهیم در تراحم‌های اخلاقی با توجه به اعتباریات؛ (زمان، مکان، موقعیت، مناسبت، مصلحت تصمیم به رفع تراحم اخلاقی می‌گیریم. (طباطبایی، المیزان، ۱/۵۶۹-۵۷۵؛ مغنیه، ۳/۱۳۱؛ صفایی، تطهیر با جاری قرآن، ۱/۳۱۰) به‌عنوان مثال ضرورت تشریح بدن میت برای تحقیقات پزشکی از یک جهت و احترام بدن میت و تسریع در مراسم تجهیز از جهتی دیگر یک تراحم اخلاقی ایجاد می‌کند اما مصلحت تحقیقات و تعلیمات پزشکی بر مصلحت تسریع تجهیز میت و احترام بدن او ترجیح دارد. (مطهری، ۳/۱۸۹-۱۹۴) یا اگر کلامی با قصد بدگویی و عیب‌ناک کردن کسی گفته شود، غیبت و حرام است؛ ولی اگر به قصد خیرخواهی و از روی مشورت باشد، از حرمت غیبت مستثنا و حلال است. (جوادی آملی، ۳۰/۳۹۲)

۵-۳-۲. قاعده عقلانی الموزانه بین السلب و الإيجاب

محمدحسین فضل‌الله در تفسیر بخشی از اصطلاح «وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (البقره، ۲۱۹) می‌نویسد: این آیه بیان‌کننده‌ی این قاعده‌ی فقهی است: ارتکاب عملی که زیان آن بیشتر از نفع آن باشد، قبیح و ظلم بر خود و یا جامعه است. این اصل و قاعده را می‌توان از سیره عقلا که در همه جوامع بر مبنای بر رعایت مصالح و اجتناب از مفساد جعل شده استفاده کرد. (فضل‌الله، من وحی القرآن، ۲۲۷/۴-۲۲۹؛ سیاووشی، ۷۳-۱۰۸)

۵-۴. واقعیت اخلاقی گزاره‌های اخلاقی

یکی از چالش‌های جهان معاصر مطرح شده توسط برخی مکاتب غرب‌گرا عدم واقعیت حسن و قبح و گزاره‌های مشتمل بر آنهاست که اندیشمندان شیعه مانند محقق اصفهانی با ناواقع‌گرایی به جز توافق عقلاً و علامه طباطبایی (واقع‌گرایی با تفکیک اعتبار حسن و قبح) تا حدودی این معضل را حل نمودند. (فیض‌صابری و همکاران، ۶۳-۶۹؛ ایازی، اعتباری بودن احکام اخلاقی و حل چالش‌های فقهی دنیای معاصر؛ سوزنجی، ۳۱-۹)

الف. صفات اخلاقی پایدار ناظر به واقعیت‌ها است از همین رو ما تصمیم می‌گیریم براساس این واقعیت‌ها یعنی ذاتی بودن خوبی صفات پایدار؛ باید و نبایدهای اخلاقی را مطرح نمائیم. به عبارت دیگر انسان از روی یک امر اعتباری یک امر واقعی می‌سازد (طباطبایی، ۴۶-۴۸؛ سوزنجی، ۳۱-۹)

ب. اعتباریات ناظر به فلسفه عمل است اگر شخص برای اموری که حقیقتاً و مستقلاً از اعتباریات ما یعنی خوب است اعتبار و خوب بکند و به آنها عملاً ملتزم باشد حیات اخلاقی دارد؛ به عبارت دیگر اعتبارات عقل عملی در متن واقعیت‌های انسانی اجتماعی تاریخی و فرهنگی قرار می‌گیرد. این اعتبارات هم خود به وساطت اراده و عزم انسانی موجود می‌شود و هم پیامدهای غیراعتباری و تکوینی دارند (هوشنگی و همکاران، ۶۰-۶۱).

ج. اعتباریات از چند جهت به حقیقت تکیه می‌کنند؛ لذا هم برهان‌پذیر است و هم درباره

ذات اقدس الهی راه دارند. (جوادی آملی، سروش هدایت، ۲۷۱/۶، تسنیم، ۳۰/۳۳۴)

۶- تحول آرا تربیتی در برخورد با تنوع تکثرگرایی معاصر

یکی از آثار و نتایج توجه به تغییر اعتباریات، توجه به مباحث تربیتی در حیطه ارتباطات بین‌المللی است لذا مفسران عصری می‌گویند: با وجود کثرت مکاتب تربیتی، معرفتی و محتاج نگاه تاریخی و نگاه تطبیقی و حتی نظام‌سازی تربیتی هستیم تا از نقاط و اقتباس و تقلید نجات یابد. (صفایی، روش برداشت از نهج البلاغه، ۱۲۱) از مصادیق نظام‌سازی تربیتی با نگاه بین‌الملل عبارتند از:

۱=۶. بیان مشترکات ادیان

مفسران عصری با بیان مشترکات ادیان بر سعی می‌کنند به حقیقت واحد که توحید و یگانگی است بر سند علامه فضل‌الله در ذیل آیه ۶۴ آل‌عمران سیره‌ی اهل کتاب را از مشرکین کاملاً متفاوت هستند. ایشان در آیات دیگر؛ شرط ایمان را حلقه اتصال ارتباط با خداوند می‌داند در نتیجه یکی از مبانی ایشان عدم نسخ کتاب مقدس توسط قرآن است. (فضل‌الله، من وحی القرآن، ۳۱۳/۵-۳۱۴ و ۸-۱۹۹-۲۰۰)

۲-۶. تبیین تفسیر ملة ابرهیم

از دیدگاه مفسران عصری خداوند با اصطلاح «ملة ابرهیم» (الحج، ۷۸) جهان شمولی دین را با ملة ابرهیم حنیفاً به رسمیت می‌شناسد. چنانچه علامه فضل‌الله منظور از «ملة ابرهیم» را مسلمین قبل می‌داند و شرط نجات در آخرت را ایمان و عمل صالح به شمار می‌آورد. (فضل‌الله، ۷۱/۲)

۳-۶. تحول و توسعه معنایی آیات قرآن در روابط بین‌ادیانی

مفسران عصری بر مبنای کرامت و اصل هدالت تحولاتی در مفاهیم سنتی نسبت به

آیات قرآن کریم در روابط بین ادیانی به وجود آمد که مصادیقی ذکر می‌گردد.

۱-۳-۶. تحول در مفهوم عبارت "عن ید صاغرون؛ قرآن کریم در سوره مبارکه توبه برای اهل کتاب جزیه تعیین می‌کند. «مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (التوبه، ۲۹) مفسران سنتی شرط جزیه را پرداخت ذلیلانه جزیه می‌دانستند. (ایازی، اصل کرامت انسانی، ۱۴۸-۱۵۰) اما در آرای مفسران معاصر مبنای کرامت پرداخت جزیه التزام و تعهد به قانون تفسیر شده است (فضل الله، من وحی القرآن، ۷۴/۱۱) ۲-۳-۶. مفسران سنتی عبارت «إنما المشركون نجس» (التوبه، ۲۸) را پلیدی ظاهری تفسیر می‌نمایند لذا مشرکان را نجس ذاتی می‌دانند. که حتی بدن آنها نجس است در عین حال تفاسیر معاصر؛ پلیدی افکار را مدنظر قرار می‌دهند؛ یعنی به مشرکین، افکار پلیدی نزدیک نشوید. (طباطبایی، المیزان، ۳۸/۹؛ قرشی، ۱۵/۷؛ ۶۰/۱؛ مدرسی، ۱۳۱/۴؛ فضل الله، من وحی القرآن، ۴۱۱/۷)

۳-۳-۶. تحول در مفهوم جهاد که در پایین‌ترین سطح خود به جنگ سخت و قتال مرتبط می‌شود، اما در لایه‌های بالاتر مفهوم جهاد کبیر همه جوانب توحیدی با هدف رشد و تعالی، تلاش در همه عرصه‌ها برای تسلط را در برمی‌گیرد. (نک: بخشی، کریمی، ۲۰۶-۱۸۷، ایازی، آزادی در قرآن، ۴-۵۱)

۴-۳-۶. تحول در مفهوم قاعده نفی سبیل: مفهوم سنتی قاعده نفس سبیل عبارتست از تنظیم روابط بین الملل اسلامی با اقوام و ملل غیرمسلمان به گونه‌ای باید باشد که همواره به برتری حقوقی مسلمان بر کافر بیانجامد اما این مفهوم توسط برخی مفسران عصری این مفهوم به دلیل منافات با اصل قسط تحول یافت (نک: احمدوند و همکاران، ۱۲۳-۱۵۱) مصادیق ذکر شده بیانگر توجه مفسران عصری به وحدت نظام تربیت و پذیرش توجه به جهانی‌سازی تربیت در عین نظام تربیتی اسلامی است.

۷- اعتباری دانستن زیان دین

علامه طباطبایی با توسل به آیه ۲۰۰ آل عمران و بر لزوم همفکری و همکاری عموم

افراد بشری برای بررسی مشکلات جامعه و دستیابی به سعادت تأکید و بیان می‌کنند. (طباطبایی المیزان، ۱۴۴/۴) بر این اساس وی انسان را موجودی می‌داند که در تعامل با دیگران و مناسبات اجتماعی رشد می‌کند. (طباطبایی، همانجا، ۲۴۹/۹)

از نظر علامه فضائلی که در جوامع متمدن جهان امروز دیده می‌شود از آثار نبوت و دین است. (طباطبایی، المیزان، ۲۲۵/۲) در نتیجه می‌توان با اعتباری دانستن زبان دین، می‌تواند نقش بنیادی در وحدت ادیان ایفا نماید. تأکید علامه بر این است که دین اعتبار انسان نیست بلکه برای پیوند انسان با ورای عالم طبیعت، به زبان اعتباری بیان شده تا قابل فهم باشد. (نک: مدامی، ۳۶۰-۳۲۵)

۱-۷. پیوند نظریات متقارن با اعتباریات

یکی از نتایج و آثار اعتباریات را می‌توان نشانه‌های از آن را در نظریات سایر مفسران و قرآن پژوهان عصری یافت:

۱-۱-۷. منطقه الفراغ

شهید صدربخشی از احکام را به عنوان منطقه الفراغ نامیده است: ایشان قانون‌گذاری‌هایی که پیامبر ﷺ به عنوان حاکم جامعه (نه از بُعد پیامبری) انجام داده است را قانون‌گذاری دائمی نمی‌داند. (صدر، اقتصادنا، ۴۴۴) این تعریف بیانگر توجه شهید صدر به قانون و عرف جامعه است که با نظریه اعتباریات می‌تواند در حقوق به تناسب معنایی پیوند بخورد. (حق پرست و همکاران، ۱۱۹-۱۴۶)

۲-۱-۷. تقسیم احکام به ذاتیات و عرضیات

برخی صاحب‌نظران احکام را به دو دسته ذاتی و عرضی تقسیم می‌کنند: اسلام عقیدتی عین ذاتیات است و اسلام تاریخی عین عرضیات است. بر همین اساس احکام و حتی

ضروریات فقهی عرضی قابل تغییر هستند. به عنوان مثال دیه عاقله حرمت ماه‌های حرام از مناسبات قبیلگی است. و اجتهاد فقهی مستلزم ترجمه فرهنگی عرضیات است. از همین رو بی‌توجهی به اصول فرهنگی و تربیتی، تربیت را به قهقرا می‌کشاند در نتیجه باید برای به کمال رسیدن تربیت دینی تغییرات اساسی صورت گیرد (سروش، ۴-۱۸) این نظریه نیز تا حدودی بیانگر اصول ثابت تربیتی و فروع ثابت آن است. علامه نیز مباحث متعلق به مبدأ و احکام و معارف مربوط به نشئه بعد از دنیا و سرای دیگر را به زبان اعتبار می‌داند. (طباطبائی، المیزان، ۲۸/۲؛ هاشمی، ۱۰۳-۱۲۰)

با اندکی تسامح می‌توان اعتباریات ثابت و متغیر را با این نظریات پیوند زده و گامی مهم در جهت تمدن نوین اسلامی برای نظام‌سازی تربیتی اسلامی برداریم.

نتایج مقاله

۱. در اعتباریات با توجه به نیازها، اهداف، مقاصد و غایات، قوه وهم و موقعیت جغرافیایی، محیط عمل رفتار انسان‌ها تغییر می‌کند زیرا اعتبار تربیت - مانند همه اعتباریات ضروری برای اجتماع - مبتنی بر یک نیاز واقعی ناظر به نوع انسان‌هاست - و از این رو اصل اعتبار تربیت ثابت است - لکن معانی تربیت در جوامع مختلف و با توجه به موقعیت‌های اجتماعی تغییر می‌کند.

۲. یکی از کارکردهای استفاده از اعتباریات توجه به تفاوت‌های فردی در موقعیت‌های مختلف علمی، محیطی است. که قرآن کریم به این مهم توجه نموده و عوامل مختلف را در تربیت دخیل می‌داند. لذا روش‌های تربیتی را متناظر با موقعیت‌های متفاوت مخاطبان عرضه می‌نماید که مبین روی آوردن تفاسیر عصری به نقش محیط زیست، استعداد‌های فردی، مخاطب‌شناسی در مسائل تربیتی است.

۳. تفاسیر عصری توجه به نظام پادشاهی الهی را در جهت تنوع دادن به کنش‌های رفتاری و توانایی افراد در نظام تربیتی دخیل می‌دانند لذا نظریه اعتباریات با رعایت اعتدال

در مباحث تربیتی مطلق‌گرایان و نسبی‌گرایان مطلق را به چالش می‌کشد و عقل و مصلحت را در مباحث حسن و قبح عقلانی حجت می‌شمرد همچنین با واقعیت دانستن جملات اخلاقی و تا حدودی اعتباریات عدم واقعیت جملات اخلاقی را حل می‌کند.

۳. تکثرگرایی؛ در عصر حاضر حاصل ارتباطات گسترده میان انسان‌ها در صور و اشکال گوناگون است. در حال حاضر، با انتقال سریع آن از طریق انواع رسانه‌ها روبه‌رو هستیم لذا نظام تربیتی مبتنی بر پاداش‌های متفاوت مراتب رشد متفاوت، دسته‌بندی افراد در قیامت همگی نشان از تغییر اعتباریات و توجه خداوند متعال به کنش‌های متفاوت در عین حال باید به حفظ مبانی و قوانین پایدار اخلاقی ثابت هستی پایبند بود تا در فردگرایی و نسبی‌گرایی افراطی جهان معاصر دچار نشویم.

علامه با طرح مبحث اعتباریات مفسران را به تکاپو و داشت تا مفسران و قرآن پژوهان پژوهش‌هایی برای رسیدن به معنایی جامع و کامل از تربیت با بهره‌گیری از قرآن و سایر منابع معتبر اسلامی و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد انسانی نظام تربیتی اسلامی را به صورت یک نظریه با تمام ابعاد معرفی نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی پور، قاسم، کنش متقابل اجتماعی از منظر علامه طباطبایی، معرفت فرهنگی اجتماعی سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۹)، تابستان ۱۳۹۳
۳. احمدوند، محسن، قبولی، محمدتقی، فخلعی، محمدتقی، نگرشی نو در مفاد قاعده نفی سبیل و نسبت سنجی آن با اصل عدالت در روابط بین‌المللی، فقه سال بیست و سوم، بهار و تابستان شماره ۱، ۱۲۳-۱۵۱، ۱۳۹۵.
۴. اسماعیلی‌زاده، عباس و آجلیان، محمد مهدی. رهیافتی نو بر نحوه تعلیم اعتقادات، اخلاق و احکام در سیر نزول قرآن، علوم قرآن و حدیث، شماره ۸۵، ۱۳۸۹.
۵. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، تهران ۱۳۹۵ ش.
۶. اکبرنژاد، مهدی و منصورزاده، زهرا، القاء و تلقین، به عنوان یکی از روش‌های تربیتی در قرآن از نگاه مفسران الاهیات. قرآنی شماره ۵، ۱۳۹۴ ش.
۷. اکبریان، رضا، کمالی محمدعلی، ثبات یا نسبییت گزاره‌های اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی، و آموزهای فلسفه اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۱۸، ۷۶-۹۱، ۱۳۹۵ ش.
۸. ابازی، سید محمدعلی، "اعتباری بودن احکام اخلاقی و حل چالش‌های فقهی دنیای معاصر" اندیشه ما ۱۴۰۱ ش.
۹. همو، آزادی در قرآن، تهران، ذکر ۱۳۹۵ ش.
۱۰. همو، معنا شمولی در تفسیر الفرقان، قم، شکرانه. ۱۳۹۸ ش.
۱۱. همو، اصل کرامت به مثابه‌ی قاعده فقهی، تهران، سرایی، ۱۴۰۰ ش.
۱۲. همو، قرآن و تفسیر عصری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. همو، سیدمحمدعلی، ملاکات احکام کتاب و شیوه‌های استکشاف آن، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۴. آذری آلماجوان، خلیل و فرج پور، محمد و خلیل، بررسی شیوه‌های تغییر رفتار در روان‌شناسی و رسالت حضرت نوح علیه السلام بر اساس قرآن کریم، هشتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی ایران، تهران، ۱۴۰۲.
۱۵. آقایی، سیدرسول، عادل ساریخانی، واکاوی فقهی حقوقی ادله قرآنی، اضطراب، صفحه ۲۵-۴۷، ۱۴۰۰.
۱۶. بخشی، محمدرضا، محمود، کریمی، مفهوم‌شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه‌های آن، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن سال هشتم، بهار و تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، ۱۸۷-۲۰۶، ۱۳۹۹.
۱۷. برهان مهریزی، مهدی، اعتباریات از نگاه المیزان، معرفت فلسفی سال هفدهم، بهار، شماره ۳، (پیاپی ۶۷: ۶۹-۸۶) ۱۳۹۹.
۱۸. همت بناری، علی، الگوی تربیت فرزند بر مبنای تحلیل و تفسیر سوره‌ی لقمان، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره دو/ ۶۰-۴۱، ۱۳۹۸.
۱۹. تهرانی، محمدصادق، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۲۰. همو، ترجمان الفرقان، شکرانه، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تهران، مرکز بین‌المللی اسراء، ۱۳۹۲ ش.
۲۲. همو، سروش رحمت، تهران، مرکز بین‌المللی اسراء.
۲۳. همو، رحیق مختوم، تهران، مرکز بین‌المللی اسراء.

۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹.
۲۵. حسین‌پور صباغ، داود؛ علم‌الهدی، جمیله؛ سوزنجی، حسین، بازشناسی مفهوم «تربیت» در نظریه‌ی اعتباریات علامه طباطبایی (ره)، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال دهم، شماره ۲: ۱۱۸-۱۳۹، ۱۳۹۹.
۲۶. حسینی معصوم، سیدمحمد، رادمرد، عبدالله، «تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش‌گفتار»، مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره: ۶، شماره ۳. (۹۲-۶۵) ۱۳۹۴ش.
۲۷. حق‌پرست، شعبان، کاویانی، کورش و کهنوند، حامد. «منطق اعتبار قاعده حقوقی در منطقه الفراغ». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۱، دوره ۶، ۱۴۴-۱۱۹، ۱۳۹۹.
۲۸. خمینی، روح‌الله، شرح دعای سحر، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران.
۲۹. ذنبلی، مهرناز و باقری، خسرو. «تحلیلی از مفهوم عام واژه «اسلام» در قرآن کریم». رهیافتی به سیمای انسان مقاله ۸، دوره ۱۳، شماره ۴۹، خرداد ۱۴۰۱، صفحه ۱۲۸-۱۵۲، ۱۴۰۱.
۳۰. سروش، عبدالکریم کیان، کیان ذاتی و عرضی در دین، ش. ۴۲، ۱۳۷۶.
۳۱. سلیمانی، حسینی، «اجرا ناپذیری کیفر سنگسار از شش منظر حقوق بشر»، سال چهاردهم، دوره ۱۴، شماره (پیاپی ۲۷) ۴۳-۷۲، ۱۳۹۸ش.
۳۲. سوزنجی، حسین، تمایز فقه و اخلاق، در یک اشتباه تاریخی، دوره ۷، شماره ۱، ش ۲۴: ۳۱-۹، ۱۳۹۹ش.
۳۳. سیاوشی، کرم، من وحی القرآن، «تفسیری با رویکرد تربیتی و عصری»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره: ۸، شماره ۱۵، ۷۳-۱۰۸، ۱۳۹۰ش.
۳۴. صادقی‌تهرانی، محمد، «ترجمان فرقان تفسیر مختصر قرآن کریم»، ۵ جلد، قم، شکرانه، ۱۳۸۸ش.
۳۵. صدر، اقتصادنا، چاپ پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، قم، بی‌تا.
۳۶. صفایی حائری، علی، روش برداشت از نهج‌البلاغه، قم لیله القدر، ۱۳۵۸.
۳۷. همو، «تطهیر با جاری قرآن»، قم، لیله القدر، ۱۳۹۱.
۳۸. طالقانی، یرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
۳۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، «بررسی‌های اسلامی»، قم: بوستان کتاب، ۱۳۶۸.
۴۰. همو، مجموعه رسائل، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۴۱. همو، اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۴۲. همو، میزان فی تفسیر القرآن، با ترجمه: محمدباقر موسوی. قم، دفتر انتشارات اسلام، ۱۳۷۴.
۴۳. همو، اصول فلسفه رئالیسم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.
۴۴. همو، تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۲۷ق.
۴۵. عسکریور، زهرا و نوروزی، رضاعلی، محیط‌های تربیتی اثرگذار در دوران کودکی با نگاهی بر دیدگاه صفایی حائری، فصلنامه حکمت اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۱، ۱۳۹۶.
۴۶. غلامی، علی، «اضطراب، اجبار و اکراه، از ترادف تا تفاوت، پژوهشنامه حقوق اسلامی سال سیزدهم، بهار و تابستان شماره ۱، پیاپی ۳۵، ۳۹-۷۲، ۱۳۹۱ش.
۴۷. فضل‌الله، محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹.
۴۸. همو، دریچه‌ای به دنیای جوانان، مترجم فقهی‌زاده، عبدالهادی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸.
۴۹. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۵۰. قطب. سیدابراهیم حسین شاذلی، فی ظلال القرآن، لبنان، ۱۳۸۷ق.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۵۲. محبی پور، مریم، عوامل موثر بر ذهن مفسر در آیهی یک نسا با تاکید بر آفرینش زن، اولین همایش ملی زنان «بازآفرینی شهری و توسعه پایدار»، ۱۳۹۶ش.
۵۳. محبی پور، مریم و معارف، مجید و ایازی، سیدمحمدعلی، کارکرد تفسیر اجتماعی با تاکید بر آرای مفسران شیعه، «مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی»، سال ۶، پاییز ۱۴۰۱، شماره ۳، پیاپی ۲۳، ۱۶۱-۱۳۷، ۱۴۰۱ش.
۵۴. محمدفام، سجاد؛ نکونام، جعفر؛ مؤدب، سیدرضا؛ تحلیل تحول آراء تفسیری مفسران با تکیه بر مؤلفه ایدئولوژی، مجله کتاب قیم، پیاپی ۱۶، ۲۶-۷، ۱۳۹۶.
۵۵. محمدی، حسام؛ قاضی زاده، کاظم؛ محمدجعفر، کوروش محمدی؛ مقایسه تاریخی و تحلیل مبانی عادت از منظر روان شناسی و قرآن، «کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی»، ۱۳۹۵.
۵۶. محمدی نبی کندی، باباله و رهنمایی، سوگند و هدایتی مقدم، زهرا و ترک، مائده و کرمی جوقان، زهرا، بازخوانی اصول روش های تربیت فرزندان در سوره لقمان، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم قرآنی، ۱۴۰۱.
۵۷. مدامی، روح اله، «بررسی راهکارهای نهفته در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی به منظور دستیابی به صلح و زندگی مسالمت آمیز»، دو فصلنامه پژوهش های مابعدالطبیعی، دوره: ۳، شماره: ۵، (۳۲۵-۳۶۰) ۱۴۰۱.
۵۸. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دارالمحب الحسین، ۱۴۱۹ق.
۵۹. مصلح، علی اصغر، اعتباریات علامه طباطبائی مبنای طرحی فلسفی برای فرهنگ، مقاله ۲، دوره ۹، شماره ۳۶، ۱۳۹۲.
۶۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
۶۱. مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، مترجم موسی دانش، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۶۳. نکونام، جعفر؛ محمدفام، سجاد، تحلیل تحول آراء تفسیری مفسران بر اساس مفهوم گفتمان، مقاله علمی وزارت علوم، ش ۳۴، ۴۵-۶۳، ۱۳۹۶.
۶۴. هاشمی، محمدجواد، ذاتی بودن دین و دینداری از نگاه علامه طباطبایی، اندیشه نوین دینی، ش ۳۹، ۱۲۰-۱۰۳، ۱۳۹۳.
۶۵. هوشنگی، حسین؛ جوادی، حسین؛ فیاض ابراهیم، محسن؛ سعیدی فر، سیدعلی؛ نظریه اعتباریات و نظریه اجتماعی، تهران، امام صادق، ۱۳۹۵.
۶۶. یزدان مقدم، احمدرضا، کاربرد و توجیه نظریه ادراکات اعتباری در تفسیر المیزان، یک تحلیل مقایسه ای، ملی اسراء. دوره ۱، پیاپی ۱۱، ۳۱-۵۰، ۱۳۹۶.